

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فرق میان هجرت و پناهندگی!

(ترجمه)

خبر:

در روزهای اخیر تمام مسلمانان هر یک به شیوه‌ی خود آغاز سال جدید هجری قمری را در سراسر جهان جشن گرفتند.

تبصره:

ممکن است برخی بپرسند در بین هجرت و پناهندگی چه ارتباطی وجود دارد؟ سوال مشروعی است؛ زیرا از لحاظ انگیزه‌ها، دلایل و اهداف فرق‌های زیادی بین این دو وجود دارد؛ اما هر دو به معنی ترک نمودن سرزمین و اقارب و رفتن به دیار غربت است که هر سرزمینی سبک‌های زندگی متفاوتی دارند و باعث می‌شود انسان احساس غربت و وحشت کند. لیکن تفاوت‌های بسیاری در نحوه‌ی برخورد میزبانان با هریک از این دو (مهاجر و پناهجو) وجود دارد که محور بحث و توجه ما همین است. همانا صحابه‌ی کرام به مدینه منوره هجرت کردند و گرامی‌ترین سرزمین الله سبحانه و تعالی را به سوی الله ترک کردند؛ سرزمینی که مایه‌ی فخر و عزت آنان و محل تعالی روح‌شان بود، تا جایی که رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره‌ی آن سرزمین فرمودند:

«وَاللّٰهُ اِنَّكَ لَـٰخِیْرُ اَرْضِ اللّٰهِ وَاَحَبُّ اَرْضِ اللّٰهِ اِلَیَّ وَلَوْ لَا اَنَّ اَهْلَكَ اَخْرَجُوْنِیْ مِنْكَ مَا خَرَجْتُ»

ترجمه: به الله قسم که تو بهترین و محبوب‌ترین سرزمین الله (سبحانه و تعالی) نزد من هستی؛ اگر اهالی تو مرا از تو (مکه) بیرون نمی‌کردند هرگز از تو خارج نمی‌شدم.

اما در مقابل، استقبال انصار از مهاجرین بعد از این که رسول الله صلی الله علیه وسلم بین آن‌ها پیوند برادری ایجاد کردند؛ به گونه‌ای بود که گویی فرشتگانی در لباس انسان بودند. آن‌ها این فرموده الله سبحانه و تعالی را در خود تجسم کرده بودند:

﴿اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ اِخْوَةٌ﴾ [حجرات: ۱۰]

ترجمه: جز این نیست که مؤمنان برادرند.

هم‌چنین رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره‌ی آن‌ها فرمودند:

«الْمُسْلِمُ اَخُو الْمُسْلِمِ...»

ترجمه: مسلمان برادر مسلمان است.

انصار تمام دارایی خود با مهاجرین تقسیم کردن؛ تا جایی که می‌خواستند زنان خود را طلاق داده و به عقد مهاجرین درآورند. این اتفاق در هیچ دوره‌ای از تاریخ بشریت و در هیچ تمدنی رخ نداده است.

در آن سوی صحنه تصویری کاملاً متفاوت از این صفحه زرین و درخشان را مشاهده می‌کنیم که مردم یمن، سوریه، سودان و قبل از آن‌ها بسیار از مسلمانان زیر بمباردمان طیاره‌ها و آتش توپ‌خانه‌ها و گلوله‌ها مهاجرت کردند و در حالت سرگردانی به دنبال امنیت و آرامش به نزد همسایگان مسلمان خود رفتند؛ اما با وجود این که مسلمان بودند و به سوی مسلمانانی پناه برده بودند که دین‌شان همان دین صحابه، پیامبرشان همان پیامبر صحابه و برادری که رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان‌شان ایجاد کرده بود، هنوز برقرار بود؛ ولی نگاه و رفتار به آن‌ها کاملاً متفاوت از زمان صحابه بود. به آن‌ها به عنوان پناهندگان خارجی نگریسته شده و بسیاری از سرزمین‌های اسلامی مرزهای خود را بروی آن‌ها بستند و سرزمین‌هایی که مرزهای خود را به صورت رسمی بر آن‌ها باز کردند، ورودشان را به قدری سخت و پیچیده کردند که اکثریت آن‌ها مجبور شدند خطرات سفر را بپذیرند و از راه‌های ناهموار عبور کنند که برخی جان خود را در این راه‌ها از دست دادند. برخی سرزمین‌ها آن‌ها را در خارج از شهرها حبس کردند و اردوگاه‌های پناهندگان را ایجاد کردند که در بسیاری از موارد حداقل امکانات زندگی کرامت‌آمیز را نداشتند و همیشه تهدید به اخراج می‌شدند و به آن‌ها گفته می‌شد که اگر از این اردوگاه‌ها خارج شوند یا قوانین مهاجرتی را که برای آن‌ها تعیین شده بود نقض کنند، اخراج خواهند شد!

همه‌ی این‌ها فقط به این دلیل است که به آن‌ها به عنوان خارجی نگریسته شد؛ نه به عنوان فرزندان این سرزمین؛ بنابراین دین و همسایگی شفاعت آن‌ها را نکرد!

سوال این جاست که چرا این تفاوت فاحش در رفتار این‌ها و انصار وجود دارد؟!

در حالت اول نگاه به آن‌ها به عنوان مسلمان بود و مسلمان یقیناً برادر مسلمان است؛ بنابراین اساس نگاه‌شان اسلام بود. اما در حالت دوم (رفتار مسلمانان فعلی) به آن‌ها به عنوان بیگانه‌های خارجی پناه‌جویی بود که اهل آن سرزمین نیستند؛ بنابراین اساس نگاه‌شان ملیت بود.

ملیت‌گرایی به حدی بد است که میان مسلمانان تفرقه انداخته و وحدت‌شان را از بین می‌برد. این چیزی است که استعمارگر کافر با تعیین مرزها بین سرزمین‌های اسلامی به آن دست یافت و آن قدر مقدس شده است که گویی الله متعال به آن امر کرده! او سبحانه و تعالی در کلام حمید خود می‌فرماید:

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ [انبیاء: ۹۲]

ترجمه: [گفتیم:] این است امت شما که امتی یگانه است و من پروردگارتان هستم، پس مرا بپرستید.

و این ملیت‌گرایی باعث شده که مسلمانان پشت یکدیگر را خالی کنند! این غزه است که اکنون در خون غلتیده؛ در حالی که چهارطرف آن را مسلمانان احاطه کرده است؛ ولی هیچ کس به فریادهای آنان پاسخی نمی‌دهند! در حالی که رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

«الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ، لَا يَظْلِمُهُ، وَلَا يَخْذُلُهُ، وَلَا يَحْقِرُهُ» (أخرجه مسلم عن أبي هريرة)

ترجمه: مسلمان برادر مسلمان است، به او ظلم نمی‌کند، پشتش را خالی نمی‌کند و او را تحقیر نمی‌کند.

ملیت‌گرایی باعث شد که نظام‌های کفری اداره امور عامه را به دست بگیرند؛ در ملیت‌گرایی هیچ نظام اقتصادی، حکومتی یا اجتماعی وجود ندارد...

پس از خروج استعمار از سرزمین‌های اسلامی، به اطراف خود نگاه کردیم و چیزی جز نظام‌های کفری نیافتیم. برخی به سرمایه‌داری، برخی به سوسیالیسم و برخی دیگر به ترکیبی از این دو روی آوردند. همه این‌ها بدین خاطر بود که ملیت‌گرایی اندیشه‌ای برای تنظیم امور زندگی نیست؛ بلکه یک ارتباط عاطفی و غریزوی است که به وطن‌پرستی مربوط می‌گردد.

آیا وقت آن نرسیده که به خود بیاییم، به کتاب الله سبحانه و تعالی و هدایت پیامبرمان صلی الله علیه وسلم باز گردیم و خلافت راشد ثانی بر منهج نبوت را که الله سبحانه و تعالی برای ما وعده داده و حبیبش صلی الله علیه وسلم بشارت آن را داده است اعلان کنیم؟!؟

مترجم: حسن سلحشور